



Independence in Civil (Non-Criminal) Responsibility: A Comparative Study of Vizr Rule in Imamiyyah Jurisprudence & Independent Responsibility in International Law

Mohamad Setayeshpur¹, Ali Haddadzadeh Shakiba²

¹ Assistant Prof., International Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran
(Corresponding Author). mohamadsetayeshpur@yahoo.com

² PhD, Private Law, University of Qom, Qom, Islamic Republic of Iran. haddadzadeh_ali@yahoo.com

Abstract

Independence in responsibility is considered as requisite by reason and justice; hence, it has been identified by many legal systems under different titles. Of course, its existence in the legal systems, does not mean the sameness of its extension in all of them. Independence in responsibility implies that each person is responsible for the action he has committed. In the absence of international criminal responsibility for the states, independent international legal responsibility is based on its own requirements. This study aims to identify the independent responsibility by "Vizr rule" in Imamiyyah jurisprudence and independent responsibility in the International Law Commission of the United Nations, as a scientific body for the gradual development of international law that it makes the teachings and ideas of Islamic law play a far greater role in the development of international law. This way, not only would it contribute to the enrichment of international law and make the international legal system more efficient, it would also help the spread of Islamic countries profits, specially, Iran.

Keywords: Vizr Rule, Independent Responsibility, Imamiyyah Jurisprudence, International Law Commission.

Received: 2022/05/23 ; Accepted: 2022/09/22

How To Cite: Setayeshpur, Mohamad; Haddadzadeh Shakiba, Ali (2023). Independence in Civil (Non-Criminal) Responsibility: A Comparative Study of Vizr Rule in Imamiyyah Jurisprudence & Independent Responsibility in International Law, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 10(1), 153-170. doi.org/10.22091/CSIW.2022.8233.2283



استقلال در مسئولیت حقوقی (غیر کیفری): مطالعه تطبیقی قاعده «وزر» در فقه امامیه و «مسئولیت مستقل» در حقوق بین الملل

محمد ستایش پور^۱، علی حدادزاده شکیبا^۲

^۱ استادیار حقوق بین الملل دانشکده حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسئول). mohamadsetayeshpur@yahoo.com

^۲ دانش آموخته‌ی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم. haddadzadeh_ali@yahoo.com

چکیده

استقلال در مسئولیت، امری است که مقتضای عقل و عدل دانسته می‌شود و به این جهت است که در نظام‌های حقوقی مختلف، تحت عناوین گونه‌گون، ظهور و بروز یافته و بر آن تصریح شده است. البته وجود آن به منزله یکسانی حدود و ثغور نیست. استقلال در مسئولیت، متضمن آن است که هر شخص، مسئول عملی دانسته می‌شود که مرتکب آن شده است و دیگری را نمی‌توان بابت آن عمل، مسئول دانست. در نبود مسئولیت بین‌المللی کیفری برای دولت، مسئولیت بین‌المللی حقوقی مستقل، اقتضانات خاص خود را می‌طلبد و مطالعه آن در عرصه مسئولیت بین‌المللی حقوقی (در مقابل مسئولیت بین‌المللی کیفری اشخاص)، بایسته است. پژوهش پیش رو از رهگذر مطالعه تطبیقی قاعده وزر در فقه امامیه و گزاره مسئولیت مستقل در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، به عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، افزون بر به زیر ذره‌بین نهادن گزاره یاد شده، موجب می‌شود تا آموزه‌ها و انگاره‌های حقوق اسلامی، نقش به مراتب بیشتری در مسیر توسعه حقوق بین‌الملل ایفا کنند. چه این که، این گونه نه تنها به غنای حقوق بین‌الملل کمک می‌کند، کارآمدتر شدن نظام حقوقی بین‌المللی را در پی خواهد داشت. امری که اشاعه هر چه بیشتر اسلام، حفظ و افزایش منافع کشورهای اسلامی از جمله و به ویژه جمهوری اسلامی ایران را می‌تواند به دنبال داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: قاعده وزر، مسئولیت مستقل، فقه امامیه، کمیسیون حقوق بین‌الملل.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

استاد: ستایش پور، محمد؛ حدادزاده شکیبا، علی (۱۴۰۲). استقلال در مسئولیت حقوقی (غیر کیفری): مطالعه تطبیقی قاعده «وزر» در فقه

امامیه و «مسئولیت مستقل» در حقوق بین‌الملل، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱۰(۱)، ۱۵۳-۱۷۰.

doi.org/10.22091/CSIW.2022.8233.2283

مقدمه

استقلال در مسئولیت، یا آن چه که گاهی به جای واژه «استقلال» یا مشتقات آن نظیر «مستقل» از واژه «مستقیم»^۱ نیز استفاده شده است (Shaw, 2008: 785)، در نظام‌های مختلف حقوقی، تحت نام‌های متفاوت، وجود دارد و به تعبیر بهتر، ظهور و بروز یافته است. ظهور و بروز گزاره استقلال در مسئولیت در نظام‌های حقوقی مختلف، این را به ذهن متبادر می‌سازد که استقلال در مسئولیت، یک اصل کلی حقوقی است. چه این که، ویژگی برجسته اصول کلی حقوقی این است که در نظام‌های حقوقی متفاوت وجود دارند و البته ظهور و بروز آن‌ها در هر نظام، لزوماً وحدت زمانی ندارد.

اشتراک در وجود یک گزاره در بیش از یک نظام حقوقی، به مثابه هم‌زمانی در وجود آن گزاره در دیگر نظام‌ها نیست. چه بسا در یک نظام، دیرتر ظهور و بروز یافته باشند. در مورد اصولی کلی حقوقی بین‌المللی، این رویکرد مطرح شده است که در نظام حقوقی بین‌المللی، فقط آن اصول کلی حقوقی را می‌توان اعمال کرد که در دیگر نظام‌های حقوقی هم وجود داشته باشد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۶۶). با این حال، برخی دیگر نیز قائل به این اندیشه هستند که اصول کلی حقوقی، بیشتر اوقات، و نه لزوماً، در نظام‌های حقوقی داخلی ظهور پیدا کرده‌اند (نک: محمودی کردی، ۱۳۹۷: ۳۳۶).

مقاله در دست، بر آن شده است تا از رهگذر مطالعه مسئولیت مستقل در حقوق بین‌الملل و قاعده وزر در فقه امامیه، به استقلال در مسئولیت حقوقی (غیرکیفری) بپردازد. تا به امروز، در هیچ یک از آثار منتشر شده، به این موضوع پرداخته نشده است. روش پژوهش در این نوشتار، توصیفی-تحلیلی است و داده‌های مورد نیاز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده‌اند. به فراخور موضوع مورد بررسی در سطور حاضر، تحقیق پیش رو از طریق توصیف و تحلیل و به دور از تحقیقات کمی صورت می‌گیرد.

۱. مسئولیت مستقل در حقوق بین‌الملل

سطور پیش رو به اقتضای رسالتی که مقاله حاضر برای خود در نظر گرفته است، به مسئولیت مستقل در حقوق بین‌الملل می‌پردازد و در این راه، نخست به مفهوم مسئولیت مستقل در حقوق بین‌الملل و سپس به جایگاه آن نظر می‌دوزد. آن گاه، به استثنائات آن پرداخته می‌شود. چه این که، مادامی که مفهوم و جایگاه گزاره مسئولیت مستقل مشخص نباشد سخن گفتن از استثنائات آن منطقی نیست. این گونه، بستر برای تبیین و تحلیل قاعده وزر و مناسبت آن با استقلال در مسئولیت نیز فراهم می‌گردد. در این باره شایسته عرض است که مقاله پیش رو، به اقتضای عنوانی که دارد بر مسئولیت مستقل تمرکز دارد و تا جایی به استثنائات مسئولیت مستقل نظر می‌دوزد که در چارچوب موضوع حاضر باشد.

۱-۱. مفهوم

مسئولیت مستقل، به لحاظ مفهوم حقوقی به این معنا است که هر شخص، مسئول عمل خویش دانسته بشود. به لحاظ حقوقی، به حکم عقل و عدل و همسو با گزاره‌های اخلاقی، هیچ شخصی مسئول عملی دیگری تلقی نمی‌شود. در واقع، این امر یک گزاره اخلاقی^۱ است که جامعه هنجار^۲ به تن کرده است. با توجه به این که در حقوق بین‌الملل، کشورها^۳ و سازمان‌های بین‌المللی دولتی، تابعان فعال حقوق بین‌الملل هستند، هر کشور و سازمان بین‌المللی که مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شود، مسئولیت بین‌المللی دارد و هیچ کشوری مسئول عمل سازمان بین‌المللی یا کشور دیگر دانسته نمی‌شود و همین طور هیچ سازمان بین‌المللی مسئول عمل کشور یا سازمان بین‌المللی دیگر قلمداد نمی‌گردد.

این مقرر که مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی، مسئول عمل خویش دانسته می‌شود اساس مسئولیت در حقوق مسئولیت بین‌المللی تلقی می‌گردد. در واقع، کاربست حقوق مسئولیت بین‌المللی، مستلزم تحقق مسئولیت بین‌المللی است و اساس تحقق مسئولیت بین‌المللی، این است که مرتکب عمل متخلفانه، مسئول دانسته می‌شود. این امر در ماده (۱) مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها^۴ و همین طور در ماده (۳) مجموعه مواد ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی^۵ انعکاس یافته است. این گزاره، پیش‌تر در گزارش سوم روبرتو آگو^۶ در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت نیز درج شده بود (ILC Yearbook, 1971: 214-223)؛ امری که خود، می‌تواند مشعر بر قوام‌یافتگی آن باشد. در خصوص قوام‌یافتگی استقلال مسئولیت در حقوق

1. Ethic

2. Moral

۳. مسامحتاً در ادبیات پارسی حقوق بین‌الملل، مرسوم است که به جای «کشور»، از واژه «دولت» در مفهوم موسع استفاده می‌شود. البته دولت در مفهوم موسع کلمه که شامل تمام ارگان‌های آن کشور اعم از اجرایی، قضایی و تقنینی است را در بر می‌گیرد (4 & 1 paras. 32, ARSIWA, 2001). از این رو در نوشتار پیش رو، نیز هرگاه سخن از «مسئولیت بین‌المللی دولت» مطرح شده، منظور «مسئولیت بین‌المللی کشور» است.

۴. جهت ملاحظه برگردان فارسی متن و شرح مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی بنگرید به: علیرضا ابراهیم‌گل، مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، زیر نظر و با دیباچه دکتر سید جمال سیفی، ۱۳۹۲، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

۵. جهت ملاحظه برگردان فارسی متن و شرح مواد ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی بنگرید به: عابدینی، عبدالله و روزگاری، خلیل، حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی: ترجمه متن و شرح مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، ۱۳۹۳، خرسندی.

6. Roberto Ago

بین الملل، شایسته توجه است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در گزارش راجع به عملیات حفظ صلح، تصریح داشته است که این اساس در حقوق مسئولیت بین المللی که مباشر عمل متخلفانه بین المللی، مسئول عمل خویش دانسته بشود، به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است و در قبال سازمان‌های بین المللی نیز قابلیت اعمال دارد (4: UNGA Doc. A/51/389, 1996).^۱

از این رو، هر تعهد اولیه‌ای که نقض گردد، منوط به آن که آن عمل منتسب به آن کشور یا سازمان بین المللی باشد، موجب مسئولیت بین المللی آن کشور یا سازمان بین المللی می‌شود و از این حیث، تعهداتی که در این حوزه شکل می‌گیرند را تعهدات ثانویه نامند (قاسمی و ستایش‌پور، ۱۳۹۹: ۱۹۴). در واقع، مضاف بر تعهدات اولیه، تعهداتی دیگر به علت نقض تعهدات اولیه ایجاد شده‌اند (Combacau and Alland, 1985: 81 and 82).

دیوان اروپایی حقوق بشر به اقتضای قضایای مطروحه در آن محکمه، به وضعیتی پرداخته است که در آن، مسئولیت متقارن وجود دارد. به طور کلی، این وضعیت متصور است که چند تابع فعال، اعم از آن که کشور باشند یا سازمان بین المللی، مستقلاً مسئولیت متقارن داشته باشند. این مسئولیت متقارن، به معنی تعدد مسئولان است و نه مسئولیت مشترک به عنوان استثنائی بر مسئولیت مستقل. از این رو از چنین مسئولیتی به مسئولیت متقارن^۲ بیش از یک متخلف مستقل^۳ یاد شده است (Den Heijer, 2013: 430 & 431). قضایای قابل توجهی در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شده‌اند که در آن‌ها، دو دولت، در زبانی واحد نقش ایفاء کرده‌اند (ECrHR, Rantsev v. Cyprus & Russia, 2010: para. 231 & 232; Monory v. Hungary & Romania, 2005: para. 79 & 82). در این وضعیت‌ها، دو کشور مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند و دیوان اروپایی حقوق بشر با ارزیابی عمل هر دولت در رابطه با تعهداتی که دارد، مسئولیت هر یک از دول متعاقد را به طور جداگانه احراز کرده است. در احراز چنین مسئولیتی، رفتار دولت دیگر اهمیتی ندارد و مسئولیت دولت صرفاً بر اساس رفتار همان دولت مستقلاً احراز می‌شود. حال آن که در صورت اشتراک در مسئولیت بین المللی، به آن گونه که در مجموعه مواد کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد منعکس شده است، عمل مباشر و آن شخصی (اعم از کشور و سازمان بین المللی) که به نحوی از انحاء در آن نقش ایفا کرده است، با هم لحاظ می‌گردد.

رویکرد دیوان اروپایی حقوق بشر، مطابق با اصل مسئولیت مستقل به آن گونه که در مواد کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد منعکس شده است، دانسته می‌شود (Den Heijer, 2013: 430 & 431).

1. Available at:

<https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N96/249/39/PDF/N9624939.pdf?OpenElement>

2. Concurrent Responsibility

3. Independent Wrongdoer

مسئول دانستن^۱ بیش از یک تابع فعال، در ارتباط با یک عمل متخلفانه بین‌المللی، متمایز از نقض تعهدات چندجانبه است. این به آن معنا است که چه بسا تعهدی چندجانبه باشد ولی اشتراک در مسئولیت محقق نشود و برعکس آن نیز متصور است (Crawford, 2013: 395). در واقع، چنانچه تعهدی چندجانبه توسط تابع فعال حقوق بین‌الملل، خواه کشور یا سازمان بین‌المللی، نقض گردد، استقلال در مسئولیت اعمال می‌گردد.

۲-۱. جایگاه

تحقق مسئولیت بین‌المللی به آن گونه که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد منعکس شده، مستلزم تحقق عمل متخلفانه بین‌المللی است. تخلف بین‌المللی دولت یا سازمان بین‌المللی، می‌تواند شامل یک یا بیش از یک فعل یا ترک فعل باشد. همچنین شایسته توجه است که عمل متخلفانه بین‌المللی می‌تواند تلفیقی از فعل و ترک فعل باشد. به منظور ترسیم تمایز میان گزاره «مسئولیت شخصی» به آن نحو که در ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری شناخته شده است، در اینجا از عبارت «مسئولیت مستقل» استفاده شده است.^۲ در واقع، همان طور که از نام‌گذاری، برمی‌آید، مسئولیت مستقل به این معنا است که هر شخص، اعم از دولت و سازمان بین‌المللی، مجموعه تعهدات اولیه و ثانویه خود را دارد (ARSIWA, 2001: 64). اصل استقلال در مسئولیت، به نیکی در مجموعه مواد ۲۰۰۱ و همین طور مجموعه مواد ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد منعکس شده است.

این اصل، در ماده (۱) مجموعه مواد پیش گفته، بیان شده است: «هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت، مسئولیت بین‌المللی آن دولت را به دنبال دارد».^۳ هم‌سو با این موضع، کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، در مجموعه مواد ۲۰۱۱ راجع به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی نیز تصریح داشته است که «هر عمل متخلفانه بین‌المللی سازمان بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی آن سازمان را در به دنبال دارد».^۴ همان طور که ملاحظه می‌شود، کمیسیون حقوق بین‌الملل در مقام نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، خودخواسته حتی در عبارت‌پردازی نیز از همان عبارات استفاده کرده است و تنها، به اقتضای موضوع، کلمه «دولت» یا کلمه «سازمان بین‌المللی» را قید کرده است. در واقع، کمیسیون حقوق بین‌الملل و گزارشگر آن در تنظیم مجموعه مواد راجع به مسئولیت سازمان‌های

۱. به منظور احتراز از تکرار واژه واحد در عبارتی کوتاه از متنی واحد، گاهی واژه «بین‌المللی»، به قرینه حذف می‌شود.

۲. به منظور مطالعه رویکرد حقوق بین‌الملل عام راجع به اعمال متخلفانه دولت‌ها در گستره حقوق بین‌الملل کیفری بنگرید به دلخوش، ۱۳۹۰: ۲۳۶-۲۳۹.

3. "vvery internationally wrongful act of a ttate entailttthe international repponniibilty of that ttate".

4. "vvery internationally wrongful act of an international organization entail the international repponniibilty of that organization".

بین‌المللی، به عمد، از روش کپی و الحاق بهره جسته‌اند.

منظور از این شیوه، آن است که تنظیم‌کنندگان یک سند، خواه اساسنامه و خواه معاهده بین‌المللی باشد، خودخواسته از پیشینه اسنادی که موجود است اقتباس و به تعبیر بهتر، تقلید می‌کنند و از روی عمد، مطالب را بدون هیچ گونه تغییر شکلی در سند درج می‌نمایند (توحیدی، ستایش‌پور، ۱۳۹۶: ۶۰). این کپی و الحاق کردن، نه تنها یک عیب نیست که مطلوب است تا آن جا که از آن به یک «رویکرد»^۱ یاد شده است (Ahlborn, 2012: 65 & 66). این شیوه مزایای حائز اهمیتی دارد؛ نخست این که، دانستن مفهوم یکی موجب دانستن مفهوم دیگری نیز می‌شود و دیگر این که، خود می‌تواند موجب وحدت رویه‌ای گردد. البته، بودن این مزایا منوط به آن است که اقتباس، به فراخور شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر آن مورد صورت بگیرد (Ahlborn, 2012: 61). چنانچه اقتباسی بدون وجه باشد بدون تردید نه تنها مزیت نیست که یک عیب محسوب می‌گردد (توحیدی، ستایش‌پور، ۱۳۹۶: ۶۰ و ۶۱). چنین اقتباسی، در وضعیت فعلی یک مزیت محسوب می‌گردد؛ چرا که افزون بر آن که موجب روشن‌تر شدن مفهوم می‌گردد و بستر را برای وحدت رویه ایجاد می‌کند، موجب تسریع در فرایند تنظیم مجموعه مواد ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز شده است. تنظیم مجموعه مواد ۲۰۱۱ در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی در حدود ۱۰ سال انجام شده ولی تنظیم مجموعه مواد ۲۰۰۱ در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها بابت عمل متخلفانه بین‌المللی بیش از پنجاه سال به طول انجامیده است. این در حالی است که رویه جامعه بین‌المللی در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به مراتب بیشتر بوده است. کاربست رویکرد کپی و الحاق موجب تسریع گردیده است.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در طرح ۲۰۰۱، با تصریح به «آن دولت»، اصل را بر مسئولیت بین‌المللی آن کشور مباشر دانسته است. مجموعه مواد ۲۰۱۱ این نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در ماده (۳) راجع به سازمان‌های بین‌المللی نیز به همین نحو عمل کرده است. ماده (۳) مجموعه مواد ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل بیان داشته است که «هر عمل متخلفانه بین‌المللی سازمان بین‌المللی موجب مسئولیت بین‌المللی آن سازمان می‌شود» (ARIO, 2011: 80 & 81). نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، از رهگذر شرح و تفسیری که در خصوص ماده یادشده ارائه کرده، بیان داشته که این ماده راجع به وضعیت‌هایی است که مسئولیت بین‌المللی سازمان بین‌المللی محقق می‌شود. بدین ترتیب می‌شود ملاحظه کرد که کمیسیون حقوق بین‌الملل در تنظیم مجموعه مواد ۲۰۱۱ نیز نظیر مجموعه مواد ۲۰۰۱ عمل کرده است. از این رو، بدون شک، استقلال در مسئولیت، اصلی حائز اهمیت در نظام مسئولیت بین‌المللی است که حقوق مسئولیت بین‌المللی به آن تکیه دارد.

۳-۱. استثنائات وارد بر اصل مسئولیت مستقل در حقوق بین الملل

با این که کمیسیون حقوق بین الملل سازمان ملل متحد، اصل را بر مسئولیت آن دسته از تابعان فعال جامعه بین المللی که بالمباشره مرتکب عمل متخلفانه بین المللی شده اند دانسته است، ولی از مسئولیت بین المللی تابعان فعال جامعه بین المللی در ارتباط با عمل دیگری نیز سخن به میان آورده است. در واقع، مسئولیت بین المللی تابعان فعال جامعه بین المللی ناظر بر مواردی است که آن تابع بالمباشره مرتکب عمل متخلفانه بین المللی نشده است ولی در ایفاء آن نقش ایفا کرده است (ستایش پور، عابدینی، ۱۳۹۵: ۱۴۷). در این خصوص، نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل، «کمک یا مساعدت»، «هدایت و کنترل» و «اجبار» را در مجموعه مواد ۲۰۰۱ بیان کرده است؛ نهاد یادشده، در مجموعه مواد ۲۰۱۱، «کمک یا مساعدت»، «هدایت و کنترل»، «اجبار» و «گریز از تعهد بین المللی» را بیان کرده است. در این باره شایسته توجه است که حقوق بین الملل در خصوص مسئولیت میان بیش از یک شخص، آن چنان که باید و شاید، توسعه نیافته است (Brownlie, 2008: 457; Orakhelashvili, 2010: 647 & 664; Alford, 2011: 233 & 240).

آراء دیوان اروپایی حقوق بشر، نقش حائز اهمیتی در رشد و تشدید مفهوم مسئولیت بیش از یک شخص در ایراد زیان واحد داشته اند (Conforti, 2004: 129). از این میان، تصمیم دیوان اروپایی حقوق بشر در قضایای بهرامی و ساراماتی، بسیار درخور توجه است (Bell, 2010: 502). دیوان در قضیه بهرامی در خصوص رفتار نیروهای کوزوو تحت رهبری ناتو،^۱ استدلال کرد که اگرچه دولت ها پاره ای از اقتدارات را بر گروه های شورشی خود اعمال کرده اند ولی با توجه به این که شورای امنیت سازمان ملل متحد، کنترل و اقتدار نهایی را بر مأموریت اعمال کرده، اقدامات آن ها منتسب به سازمان ملل متحد دانسته شده است (ECrTHR, Behrami, 2007: paras: 132-141).

درخور امعان نظر است که چنین گزاره ای، قبل تر در منظومه فقهی و نظام های حقوقی دیگر نیز بوده است و گزارشگران ویژه کمیسیون حقوق بین الملل در ارائه گزارش های خود در خصوص مسئولیت بین المللی، از آن ها کمک گرفته اند. حقیقت مطلب آن است که نظام های داخلی، به فراخور رسالت خود، هرچند با تعبیری غیر یکسان، به این قسم از مسئولیت پرداخته اند. این امر به فراخور، همسو و مطابق با عدل و عقل است که هیچ شخصی، اعم از حقوقی و حقیقی، بابت اقدام خود خواه بالمباشره خواه غیر از آن، بدون مسئولیت نباشد. در این باره، شایسته توجه است که برخی از اصولی که از در حقوق داخلی به کار می روند می توانند در گستره فراسرزمینی در حقوق بین الملل نیز کارآمد باشند (Noyes and Smith, 1988: 249-251). لیکن در این مسیر بایستی با دقت و به فراخور شرایط و اوضاع و احوال حقوقی بین المللی در گستره

1. NATO-led Kosovo Forces (KFOR)

فراسرزمینی گام برداشت که خود، کاری دشوار دانسته می‌شود. قاضی سیما، طی قضیه سکوه‌ای نفتی به این موضوع اشاره داشته است که گرچه حقوق بین‌الملل می‌تواند از اصول به کار رفته در حقوق داخلی استفاده کند ولی این کار، صعب است (ICJ Rep, 2003: 161 & 354). در این خصوص، گفتنی است که، قاضی شهاب‌الدین از رهگذر ارائه نظریه خود در پرونده موسوم به برخی اراضی فسفات در نائورو مطرح نموده است که بهره‌مند شدن از اصول کارآمد حقوقی داخلی می‌تواند کارآمد باشد (ICJ Report, 1992: 240 & 285). در عصر حاضر، در گستره فراسرزمینی، در غالب موارد، بیش از یک بازیگر در تحقق تخلف بین‌المللی نقش دارند و در واقع، در دنیای امروز، ارتکاب تخلف‌های بین‌المللی، بیشتر، از رهگذر ایفای نقش بیش از یک بازیگر در گستره بین‌المللی انجام می‌شود (Lanovoy, 2014: 134).

راه‌های زیادی وجود دارد تا بیش از یک بازیگر بتواند به ارتکاب تخلف بین‌المللی مبادرت ورزد. با توجه به این که سازمان‌های بین‌المللی، واجد شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند، بدون تردید عمل متخلفانه سازمان بین‌المللی نیز متضمن مسئولیت بین‌المللی سازمان بین‌المللی است. اگر چه ارتکاب تخلف بین‌المللی می‌تواند متضمن مسئولیت بین‌المللی بر بیش از یک بازیگر باشد لیکن اساس اعمال این تعهد ثانویه بر هر یک متفاوت است و اعمال هر یک مانع از اعمال دیگری قلمداد نمی‌شود.

۲. قاعده وزر و تأثیر آن بر استقلال مسئولیت

از آن جا که قاعده وزر در رابطه با تحمیل مسئولیت به اشخاص حقیقی و حقوقی است، با توجه به صدق شخصیت حقوقی به دولت- کشور در روابط بین‌المللی، می‌توان از این قاعده نسبت به تحمیل مسئولیت حقوقی بر آن‌ها استفاده نمود. لهذا اگر دولت- کشور نسبت به ماهیت دولت- کشور دیگر یا اتباع آن عمل متخلفانه‌ای انجام دهد، قاعده وزر می‌تواند موضع و محمل مناسبی برای شناسایی مسئولیت بین‌المللی حقوقی برای آن‌ها تلقی گردد. به کارگیری قاعده وزر در مسئولیت بین‌المللی کیفری، با توجه به اصل شخصی بودن جرائم و مجازات‌ها چندان پیچیده نیست؛ چرا که بنا به اصل منطقی جهان شمول شخصی بودن جرائم و مجازات‌ها، هر شخص حقیقی یا حقوقی مرتکب عمل جزایی شود، باید مستقلاً مسئول عمل مجرمانه خود باشد. حال آن که به کارگیری قاعده وزر در مسئولیت حقوقی دولت- کشورها بدیع‌تر و پیچیده‌تر است، لهذا در سطور پیش رو، سعی در تبیین بیشتر رابطه مبنایی استقلال مسئولیت حقوقی با قاعده وزر شده است و از این رو در ابتدا بایستی مختصراً مفهوم و جایگاه قاعده فقهی در استنباط احکام شرعی و سرایت آن به موضوعات حقوقی بررسی شود.

۱-۲. مفهوم و جایگاه

قواعد فقهی به معنای احکام کلی مستعمل در مجاری متعدد فقهی، جهت بهره‌گیری از آن‌ها در استنباط

احکام جزئیست. از این رو، در تعریف قواعد فقهی چنین آمده است «ان القواعد الفقهیه هی احکام عامه فقهیه تجری فی ابواب مختلفه و موضوعاتها» (مکارم، ۱۳۷۱: ۲۴). در همین مقام، لازم به تذکر است که بین قواعد فقهی و اصول فقهی تفاوت‌های متعددی وجود دارد که نباید موجب اشتباه گردد که برای تبیین هر چه بهتر این مسأله نیز لازم است مختصری گفته شود. برخی از فقها در تفاوت قاعده با اصل، احکام فقهی را نه وسیله استنباط بلکه خود حکم می‌دانند؛ حال آن که اصول فقهی را حکم تلقی نکرده و صرفاً طریق استنباط حکم شرعی دانسته‌اند. بعضی دیگر بر این اعتقادند که هر دو قواعد و اصول فقهی وسیله استنباط حکم هستند؛ هر چند که این فقها نیز قائل به وجود تفاوت‌هایی میان قاعده و اصل هستند؛ بدین توضیح که مسأله اصولی را مختص استنتاج حکم کلی و قاعده فقهی را مختص استنباط حکم جزئی‌تر دانسته‌اند. از طرفی، در تفاوت قاعده با اصل فقهی گفته شده است که مسأله اصولی مفید به حال مجتهد است و قابلیت استعمال توسط مقلد را ندارد. حال آن که قاعده فقهی هم به حال مجتهد مفید است و هم به حال مقلد (شیخ انصاری، ۱۴۱۹: ۵۴۴).

فارغ از تفاوت قاعده فقهی با قاعده اصولی، در رابطه با خود قاعده فقهی بایستی به این چالش که آیا استعمال قاعده فقهی در شرع مقدس اسلام، تنها در امور معنویست یا امکان استعمال آن‌ها در امور مادی نیز امکان‌پذیر است، پاسخ داده شود. در پاسخ به این چالش، در مجمع‌البحرین اینگونه آمده است «منظور از قواعد که جمع قاعده هست بنیان و پایه برای چیز است که بالای آن قرار می‌گیرد» (فخرالدین طریحی، ۱۳۷۵: ۱۲۷). لذا در قرآن کریم آمده است «و اذ یرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسماعیل ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم». بر این اساس، می‌توان گفت که قاعده فقهی هم مستعمل در امور مادیست و هم در امور معنوی. لهذا از قاعده فقهی می‌توان در احکام مادی در صورتی که دارای زیربنای علمی باشند استفاده نمود.

پس از آمدن مقدمه‌ای نسبت به کلیت قواعد فقهی، در ادامه مختصری درباره قاعده وزر خواهد آمد. واژه وزر، به معنای سنگینی است. بدین معنا که مسئولیت هر شخص حقیقی یا حقوقی به تناسب امتیازاتی که دارد بر عهده خود او می‌باشد. این مسئولیت، مسئولیت حقوقی شخص اعم از حقوقی و حقیقی را نیز در برمی‌گیرد. استعمال واژه وزر در معنای سنگینی، خود می‌تواند دربرگیرنده مفهوم مسئولیت باشد. چرا که از لحاظ ادبی و لفظی، فعل وزر به معنای بر دوش گرفتن و حمل نمودن سنگینی بار است. مسأله‌ای که در عالم حقوق می‌تواند مختص مسئولیت مدنی و کیفری اشخاص حقیقی و حقوقی باشد. از همین رو، منطقاً سنگینی بار تعهد هر شخصی با توجه به امتیازاتی که در اثر سنگینی تعهد به وی می‌رسد بر عهده خود او می‌باشد. لهذا آیه ۶۴ سوره انعام می‌فرماید «و لا تزر وازرة وزر اخرى» که فارغ از مفهوم اخروی آن، دربرگیرنده مفهوم دقیق حقوقی یعنی اصل استقلال و فردی بودن مسئولیت است. از این رو، فقهای بزرگی همچون شهید اول، آیه مبارکه مزبور را منشأ چندین قاعده فقهی

همچون «اصل تقدم المباشّر علی غیره» یا «غیر المباشّر لا یقاصّ الا فی موارد» و یا «عدم تحمل الانسان عن غیره بما لم تأذن به فیه» دانسته‌اند (شهید اول، بی تا: ۱۷، عمید زنجانی، ۱۳۸۶: ۱۲۰) که همگی می‌توانند مبین اصل استقلال مسئولیت حقوقی اشخاص حقوقی در عرصه بین‌المللی نیز باشند. البته لازم به تذکر است که در مواردی فحوی آیه مبارکه و قواعد آمده، از طریق اصل فقهی حکومت کنار گذاشته می‌شود؛ به گونه‌ای که همان‌طور در آینده خواهد آمد، مسئولیت اشتراکی عاقله بنا بر قواعد عقلی و نقلی وارده حاکم بر اصل استقلال فردی برآمده از این آیه و قواعد منشعبه می‌باشد. اگر چه مطالعات تاریخی نسبت به اصل مسئولیت، نشانگر جمعی بودن آن در بدو امر می‌باشد و این موضوع را می‌توان در مجمع القوانين حمورابی و سایر اسناد تاریخی به وضوح مشاهده نمود (قاعده وزر - ویکی فقه (wikiqf.ir)؛ با این حال، با ظهور تمدن‌های جدید خصوصاً اسلام، قضیه به کلی دگرگون و متحول شده است. بدین صورت که اصل بر مسئولیت فردی قرار داده شده است. تئوری که پا را از مرزهای اسلام فراتر گذاشته و بسیاری از جوامع شرقی و غربی نیز به سمت مسئولیت فردی حرکت کردند. لهذا آن گونه که بر اهل فن پوشیده نیست، امروزه هیچ نظام حقوقی اصل را بر مسئولیت جمعی قرار نداده است و به فراخور تئوری مبنایی خود، زیربنا را اصل استقلال مسئولیت، البته با حدود و ثغور مدّ نظر خود قرار داده است.

قابل توجه است که قاعده فقهی وزر نیز همچون بسیاری از موضوعات، بین مذاهب اسلامی و حتی بین علمای داخل در مذهب واحد، مصداق اختلاف نظر است. از جمله این اختلافات، امکان‌سنجی تجری قاعده وزر به صرف امور دنیوی یا اخرویست. برای مثال، شافعی برای بطلان بیع فضولی به آیه شریفه «و لا تکسب کل نفس الا علیها» استناد نموده است (شافعی، بی تا: ۳۱۷)؛ البته فقهای مالکی در رد قول او منظور آیه را ثواب و عقاب اخروی دانسته‌اند و آن را وابسته به احکام دنیوی ندانسته‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۰۳). لذا برخی از فقها در بحث ضمان عاقله، قائل به موضوعیت داشتن قاعده وزر به امور اخروی و نه امور دنیوی همچون ضمان شده‌اند و از پذیرش قاعده وزر به عنوان مبنای ضمان خودداری نموده‌اند که این مسأله به خودی خود می‌تواند مؤثر بر شناسایی مسئولیت مستقل حقوقی دولت‌ها بر مبنای قاعده وزر باشد. از این رو، پیش از هر چیز بایستی، مختصراً، به بررسی تعلق این قاعده به امور دنیوی یا اخروی پرداخته شود تا در صورت تصدیق این مسأله، بتوان قائل به امکان انتساب مسئولیت حقوقی مستقل دولت‌ها بر مبنای این قاعده شد. نسبت به مسأله مرتبط بودن قاعده وزر به امور دنیوی و اخروی لازم به ذکر است که در برخی از روایات منتسب به معصومین علیهم السلام، استعمال این قاعده برای امور دنیوی نیز امکان‌پذیر دانسته شده است. هر چند که استعمال خاص و ویژه این قاعده برای امور اخرویست. برای مثال حضرت علی (ع) در رابطه با ممنوعیت رجم زن باردار که مجازات وی، منجر به سرایت کیفر و زیان ناروا به جنین می‌گردید، مبنای این مسأله را قاعده وزر دانسته‌اند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۳). بر همین مبنا، احکام فقهی متعددی نسبت به ممنوعیت مجازات زن باردار وجود دارد که

مبنای اصلی آن را می‌توان همین قاعده دانست که این مسأله به خوبی مبین وجود دستاویزی برای تمسک به قاعده وزر برای امور دنیویست. علاوه بر این روایت منقولی از عامه که منتسب به نبی اکرم (ص) هست مبین عدم تحمیل بار زنای مرد و زن زناکار به ولد الزناست که این مسأله نیز مبین استقلال مسئولیت است. با این حال، عده‌ای از فقها موضع استعمال این قاعده را امور اخروی و نه دنیوی دانسته‌اند؛ اگرچه که حتی همیشان نیز، در برخی از موارد برای استنباط احکام مرتبط با مسئولیت حقوقی، این قاعده را زیربنای حکم خود دانسته‌اند. مهمترین مبنای قاعده وزر در استقلال مسئولیت حکم عقل است؛ بدین توضیح که منطقاً بار نهادن مسئولیت کسی بر شخصی دیگر، خود موجب ظلم و ستم است و از آنجا که طبق قاعده «ما حکم به العقل حکم به الشرع» و این فرض که شارع رئیس العقلاست، لهذا ایشان نیز به هیچ عنوان راضی به تحمیل مسئولیت فردی بر دوش شخصی مجزا از منتسب الیه را روا نمی‌دارد. از آنجا که قاعده وزر حکمی عقلی است لهذا تحمیل مسئولیت بر فردی مجزا از منتسب الیه امری ذاتاً قبیح است که در راستای امکان‌سنجی انتساب مسئولیت شخصی به دیگری، بایستی به تدقیق بیشتر در حسن و قبح عقلی پرداخت. حسن و قبح عقلی منقسم به سه مورد است: ۱- حسن و قبح ذاتی ۲- حسن و قبح عرضی ۳- حسن و قبح اعتباری.

پس از تقسیم حسن و قبح به سه مورد، می‌توان به امکان‌سنجی تحمیل مسئولیت به غیر پرداخت. چنانچه تحمیل مسئولیت فردی بر دیگری، مصداق قبح ذاتی دانسته شود طبیعتاً تحمیل آن به غیر نیز قبیح است؛ حال آن که اگر مسأله‌ای عرضی تلقی شود، اگرچه تحمیل مسئولیت شخصی به فردی مجزا امری قبیح است لیکن با توجه به ویژگی عرضی بودن آن، میتوان حکم قبح را از طریق گنجانیدن شروطی در آن تعدیل نمود و چنانچه در مواردی که تحمیل مسئولیت به غیر، یک قبح اعتباری دانسته شود، از آن جا که اعتبار یک مسأله تنها در ذهن و مخیله انسان می‌باشد طبیعتاً امکان نقل و انتقال و تحمیل آن به دیگری به صورت عینی وجود ندارد. لهذا در مسأله نافرمانی از دستورات الهی از آن جا که گناه مستقیماً مؤثر بر روح فرد خاطی است لهذا تحمیل مجازات گناه بر دیگری امری قبیح و غیرممکن است. حال آن که اگر مسئولیت حقوقی یک امر عرضی تلقی شود، امکان تحمیل آن بر دیگری از طریق قرارداد بیمه امکان‌پذیر است. از این رو، با توجه به آنچه آمد، اگر قائل به عرضی بودن مسئولیت حقوقی باشیم، امکان تغییر مسئولیت از فرد خاطی به دیگری از طریق شروطی همچون قرارداد بیمه را می‌توان پذیرفت و قبیح دانستن چنین مسأله‌ای را نمی‌توان پذیرفت. با این حال، تحمیل مسئولیت کیفری یک شخص حقیقی و حقوقی بر دیگر امری قبیح است چرا که مسئولیت فردی در چنین مواردی ذاتی بوده و امکان تغییر آن وجود نخواهد داشت. لذا با توجه به آنچه آمد از این مبنا می‌توان به عنوان دلیل برای مسئولیت مستقل حقوقی دولت‌ها بهره‌مند گردید، اگر چه در زمینه استقلال مسئولیت حقوقی دولت‌ها با توجه به آنچه آمد می‌توان استثنائاتی ذکر نمود.

۲-۲. استثنائات اصل استقلال مسئولیت حقوقی دولت‌ها

اصل استقلال حقوقی دولت‌ها، همانند بسیاری از احکام حقوقی، با توجه به عبارت معروف «ما من عام الا وقد خص» مطلق نبوده و دارای استثناء است چرا که مبنای آن یعنی قاعده وزر نیز خود مصون از استثناء نمی‌باشد. لذا همان گونه که کارفرما بعضاً مسئول جبران خسارات وارده از سوی کارگرس و نیز والدین مسئول جبران خسارات منتسب به فرزندشان می‌باشند، ممکن است دولت‌ها نسبت به رفتار دولتی دیگر مسئول تلقی شوند. البته لازم به ذکر است که در قضیه مسئولیت کارفرما در مقابل اعمال منتسب به کارگر یا مسئولیت والدین در مقابل اعمال منتسب به اولاد با توجه به تقصیر خود ایشان در عدم آموزش لازم به کارگر یا نگهداری از کودکان، استثناء واقعی از مسأله اصل مسئولیت فردی تحقق پیدا نکرده است. در فقه اسلامی سه استثناء واقعی بر قاعده وزر وارد شده است که بر اساس آن، می‌توان استثنائات استقلال حقوقی دولت‌ها را نیز به دست آورد. استثنائات قاعده وزر به شرح روبروست. ۱- وجوب پرداخت دیه توسط عاقله ۲- مسئولیت دولت ۳- ضمان جریره (استثنائات قاعده وزر - ویکی فقه (wikifqh.ir)).

اگر دیه را ضمان مدنی تلقی کنیم نه ضمان کیفری، رابطه قومی و خویشی بین یک سری افراد، به واسطه نفعی که به سبب ارث از یکدیگر می‌برند، موجب مسئولیت ایشان نسبت به پرداخت دیه از منظر شرع می‌باشد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۰). لذا اگر مبنای این حکم را منافع مشترک و متقابل خویشان در ارث بردن از یکدیگر بدانیم، بدین معنا که مطابق با قاعده فقهی «من له الغنم فعلیه الغرم»، هر کس منفعتی می‌برد ضرر نیز بر عهده او خواهد بود، اگر دولت‌های مشترک المنافع را که در مسأله منافع، پیکره واحدی هستند، بایستی در بحث ضرر و جبران آن نیز قائل به وحدت شد. از این رو، ایراد خسارت از جانب یک دولت مشترک المنافع را می‌توان موجب مسئولیت همه کشورهای عضو دانست. نمونه بارز این حکم را می‌توان اتحادیه اروپا به عنوان مرکزی برای تجمع کشورهای مشترک المنافع تلقی نمود (احدی، ۱۳۹۴: ۷ و ۱۱).

در شرع مقدس اسلام، در مواردی دولت مسئول جبران خسارات وارده از جانب دیگر است. برای مثال، در مواردی که قاتل مسلمان در قتل محض دارای عاقله نباشد یا عاقله، توان پرداخت دیه را نداشته باشد مسئولیت پرداخت دیه بر عهده بیت‌المال مسلمین است. از این رو، در مواردی که چندین دولت دارای مجلس قانونگذاری مشترک یا رهبر مشترک باشند می‌توان قائل به مسئولیت مشترک این دولت‌ها نسبت به عمل زیانبار یکی از دولت‌های متحد خود شد. نمونه بارز این مسأله را نیز می‌توان اتحادیه اروپا و اتحادیه کشورهای اسلامی عنوان نمود.

از دیگر موارد ممکن جهت تحمیل مسئولیت حقوقی به دیگری، بحث ضمان جریره در فقه است. در ضمان جریره، ضمن قراردادی که بین دو نفر بسته می‌شود شرط می‌گردد که در صورت پرداخت خسارات وارد آمده از جانب متعهدله توسط متعهد، وی در زمره وراث او قرار گیرد. مبنای تحمیل مسئولیت به غیر

در ضمان جریره قرارداد منعقدۀ فی ما بین طرفین است. لهذا در مسئولیت حقوقی دولت‌ها نیز چنانچه قراردادی بین آنها مبنی بر جبران خسارت از جانب دولتی دیگر باشد، امکان تحمیل مسئولیت به دولتی متفاوت از دولت وارد آورنده خسارت وجود دارد.

نتیجه‌گیری

حقوق مسئولیت بین‌المللی، یک اصل پایه‌ای دارد که از آن به مسئولیت مستقل یاد می‌شود که در واقع، بیانگر استقلال در مسئولیت بین‌المللی است. اصل پایه‌ای مسئولیت مستقل در حقوق مسئولیت بین‌المللی به عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل که دربردارنده تعهدات ثانویه است، شاکله مسئولیت بین‌المللی ناشی از تخلف بین‌المللی دانسته می‌شود. این امر، پیش‌تر و بهتر در فقه امامیه مطرح شده است. حقیقت مطلب این است که استقلال در مسئولیت، گویای گزاره‌ای عقلی و مطابق با عدل است و آن، این که هر شخص، مسئول عمل خویش قلمداد گردد. از این رو است که در نظام‌های مختلف ظهور و بروز پیدا کرده است. گرچه در نظام‌های مختلف، تحت نام‌ها یا عبارت‌پردازی‌های مختلف به مفهوم استقلال در مسئولیت پرداخته شده ولی آن چه که حائز اهمیت می‌باشد این است که همگی درصدد بیان مفهومی واحد در راستای تحقق عدالت هستند. علی‌الاصول، عنوان تنها می‌تواند مُشعر بر مفهوم باشد و نه دال بر آن.

استقلال در مسئولیت، گویای آن است که هر تخلفی که صورت پذیرد، لازم است که مرتکب مسئولیت داشته باشد. در واقع، تا زمانی که آن کشور یا سازمان بین‌المللی، مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی نشده باشد، نمی‌توان آن را مسئول دانست. بدون شک، مسئولیت مستقل، اصل اصیل اعمال مسئولیت بین‌المللی است. مقوله‌ای که نه تنها در نظام‌های حقوقی داخلی از جمله ایران وجود دارد که در زمینه دیگر مسئولیت بین‌المللی یعنی مسئولیت کیفری نیز به طور گسترده‌ای مطرح است. در واقع، امری عقلی است که به فراخور، در عرصه کیفری و غیرکیفری ظهور و بروز یافته است.

قاعده وزر در رابطه با بارگذاری مسئولیت بین‌المللی به اشخاص حقوقی نیز است. با توجه به این که کشور که گاهی از باب تسامح، به آن دولت، گفته شده است مصداق شخص حقوقی بین‌المللی است، می‌توان این قاعده را درخصوص کشورها یا به تعبیری دول در مفهوم موسع آن، در عرصه بین‌المللی اعمال نمود. استقلال در مسئولیت علی‌الاطلاق را می‌توان به عنوان یک گزاره‌ای دانست که در شئون و وجوه مختلف به اقتضای وضعیت، ظهور و بروز یافته است که یک بار در مورد مسئولیت کیفری و دیگر بار در مورد مسئولیت مدنی تجلی یافته است. نیز به فراخور هر وضعیت، هم در مورد اشخاص حقیقی و هم در مورد اشخاص حقوقی، با اقتضانات خاص خود، نمود یافته است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- بوچاردت، دیتر، ۱۳۹۴ش، الفبای حقوق اتحادیه اروپا، ترجمه علی احدی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- توحیدی، احمدرضا، ستایش پور، محمد، ۱۳۹۶ش، «صلاحیت دادگاه ویژه سنغال: مزیت روش کپی و الحاق در اساس نامه نویسی»، تعالی حقوق، ش ۲۱.
- دلخوش، علیرضا، ۱۳۹۰ش، «جنبه های گوناگون «مسئولیت» در حقوق بین الملل کیفری»، مجله حقوقی بین المللی، ش ۴۴.
- زحیلی، وهبه المصطفی، ۱۴۱۸ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق، دار الفکر المعاصر.
- ستایش پور، محمد، عابدینی، عبدالله، ۱۳۹۵ش، «استفاده عراق از سلاح های شیمیایی علیه ایران در جنگ تحمیلی: مسئولیت اشتقاقی ایالات متحده آمریکا»، پژوهش حقوق عمومی، ش ۵۰.
- شافعی، ابی عبدالله محمد بن ادریس، بی تا، احکام القرآن، دارالکتب العلمیه، ج ۱.
- شفیعی، محسن، احمدپور، اکبر، فخلعلی، محمد تقی، ۱۳۹۷ش، «تبیین ماهیت و مجاری قاعده نفی وزر و ابتنای آن بر سیره عقلا»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، ش ۱.
- شهید اول، بی تا، «القواعد و الفوائد»، قم، مکتبه المفید، ج ۲.
- شیخ انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۹ق، «فرائد الاصول»، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ج ۲.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، ۱۴۱۳ق، «مسالك الافهام الى تنقيح شرايع الاسلام»، محقق/ مصحح: گروه پژوهش مؤسسه معارف اسلامی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱، ۱۴.
- ضیائی بیگلری، محمدرضا، ۱۳۹۱ش، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش.
- عمید زنجانی، عباس علی، ۱۳۸۶ش، «قواعد فقه»، تهران، انتشارات سمت، ج ۲.
- فخرالدین طریحی، ۱۳۷۵ش، «مجمع البحرین»، تهران، نشر مرتضوی، ج ۴، ج ۲.
- قاسمی، غلامعلی، ستایش پور، محمد، ۱۳۹۹ش، «مسئولیت بین المللی آمریکا در شهادت سردار سلیمانی»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۲.
- محمودی کردی، زهرا، ۱۳۹۷ش، «ماهیت اصول کلی حقوقی و کارکردهای آن در حقوق بین الملل»، مجله حقوقی بین المللی، ش ۵۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۰ش، قواعد الفقهیه و الاصولیه، قم.
- Ahlborn, Christiane (2012). "The Use of Analogies in Drafting the Articles on the Responsibility of International Organizations – An Appraisal of the 'Copy-Paste Approach'", International Organizations Law Review, vol. 9, pp. 53-66.
- Alford, Roger (2011). "Apportioning Responsibility among Joint Tortfeasors for International Law Violations, Pepperdine Law Review, vol. 38, pp. 232-256.
- Bell, Caitlin (2010). "Reassessing Multiple Attribution: The International Law Commission and the Behrami and Saramati Decision", New York University Journal of International Law and Politics, vol. 42, 501-549.

- Brownlie, Ian (2008). *Principles of Public International Law*, Oxford University Press.
- Combacau, Jean and Alland, Denis (1985). *Droit international public*, Netherlands Yearbook of International Law, vol. 16, 81-109.
- Conforti, Benedetto (2004). "Exploring the Strasbourg Case-Law: Reflections on State Responsibility for the Breach of Positive Obligations", in Malgosia Fitzmaurice and Dan Sarooshi (edn.), *Issues of State Responsibility Before International Judicial Institutions*, Hart Publishing.
- Crawford, James (2013). *State Responsibility: General Part*, Cambridge University Press.
- Den Heijer, Maarten (2013). "Shared Responsibility Before the European Court of Human Rights", *Netherlands International Law Review*, vol. 60, pp. 411-440.
- ECHR [European Court of Human Rights] (2005). *Monory against Hungary and Romania*, Judgment, no. 71099/01.
- ECHR [European Court of Human Rights] (2007). *Behrami and Behrami against France and Saramati against France, Germany and Norway*, Decision of Grand Chamber, no. 71412/01 and 78166/01.
- ECHR [European Court of Human Rights] (2010). *Case of Rantsev against Cyprus and Russia*, Judgment, no. 25965/04.
- ICJ [International Court of Justice] (1992). *Report, Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia)*.
- ICJ [International Court of Justice] (2003). *Report, Oil Platforms (Iran v. US)*.
- ILC [International Law Commission] (1971). *Yearbook*, vol. II, part. 1, Doc. A/CN.4/246 and Add. 1-3.
- ILC [International Law Commission] (2001). *Yearbook*, vol. II, part. 2, *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, (ARSIWA)*.
- ILC [International Law Commission] (2011). *Yearbook, Report on the work of its sixty-third session, A/66/10, UNGAOR 66th Sess., Supp. No. 10. Draft Articles on Responsibility of International Organizations (ARIO)*.
- Jeff King, A. Khalfan and Bryan Thomas (2003). *Advancing the Odious Debt Doctrine*, Center for International Sustainable Development Law, McGill University Press.
- Lanovoy, Il adyslav (2014). "Complicity in an Internationally Wrongful Act", in André Nollkaemper and Ilias Plakokefalos (edn.) *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of The State of the Art*, Cambridge University Press, p 112-136.
- Noyes, John E. and Smith, Brian D. (1988). "State Responsibility and the Principle of Joint and Several Liability", *Yale Journal of International Law*, vol. 13, 225-267.
- Orakhelashvili, Alexander (2010). "Division of Reparation between Responsible Entities", in James Crawford, Alain Pellet & Simon Olleson (edn.), *Assistant editor: Kate Parlett, The Law of International Responsibility*, Oxford University Press.
- Patricia Adams (2004). *The Odious Debt Doctrine and Iraq after Saddam, Iraq and Debt Relief*, Friedrich Ebert Stiftung.
- Shaw, Malcolm (2008). *International Law*, Cambridge University Press.
- UN [United Nations] (1996). *Report of the Secretary-General, A/51/389*.
- <https://fa.wikifeqh.ir/> (Last visited: 24.06.22)
- <https://europe-commonwealthofnations.org/> (Last visited: 24.06.22)

Persian Sources

- Holy Quran.
- Borchardt, Klaus-Dieter (2010). The ABC of European Union Law, Translated by Ali Ahadi, 1394, Majd Publication (in Persian).
- Ziaei Bigdeli, Mohamad Reza (2012). Public International Law, Ganj-e Danesh (in Persian).
- Tohidi, Ahmad Reza and Setayeshpur, Mohamad (2018). "Jurisdiction of Senegalese Special Court: Advantage of the Copy-Paste Approach in Statutory Making", Journal of Culmination of Law, vol. 9, issue 4, pp. 53-77 (in Persian).
- Delkhosh, Alir'za (2012). Saa rious Aspects of Responsibilityŉn International Criminal 7aw", International Law Review, vol. 28, issue 44, pp. 223-262 (in Persian).
- Setayeshpur, Mohamad and Abedini, Abdollah (2016). "Iraq's Use of Chemical Weapons in Iraq-Ira. War: U.S. Derivative Responsibility", Journal of Public law Research, v. 1. 17, issue 50, pp. 143-169 (in Persian).
- Shafiee, Mohsen; Ahmadvpour, Akbar and Fakhlai, Mohammad Taghi (2018). "Clarifying the Nature and Functions of Denying Heavy Burden of Sins (Vizr) Principle based on the Practice of the Wise", Jurisprudence and Fundamentals of Islamic L. w, vol. 51, issue 1, pp. 131-153 (in Persian).
- Ghasemi, Gholam Ali -nd Setayeshpur, Mohamad (2020). "U.S. International Responsibility for Martyrdom of Ma.or General Soleimani", Journal of Comparative Study of Islamic and Western Law, vol. 7, issue 2, pp. 189-216 (in Persian).
- Mahmoodi Kordi, Zahra (2018). "The Nature of the General Principles of Law and their Functions in International Law", International Law Review, vol. 35, issue 58, pp. 329-364 (in Persian).
- Alzhala, Whbh Almstfa (1418h.q), Altfsar Almna' fa Al'eqadh w Alshra'eh w Almnjh, Dmshq, dar Alfker Alm'easr (in Arabic).
- Ashaf'ea (Aba 'Ebdallh Mhmd bn Adras) (ba-ta) Ahkeam Alqran, jld 1, Daralketb Al'elmah (in Arabic).
- Shhad Awl, ba-ta, «Alqwa'ed w Alfwa'ed», jld2, Qom, Mketbh Almfad (in Arabic).
- Alshakh Ansara (Mrtda bn Mhmd Aman) (1419h.q), «Fra'ed Alaswl», jld 2, Qom, Mjm'e Alfker Alaslama (in Arabic).
- Alshakh Mfad (Mhmd bn Mhmd bn n'eman 'ekeara Bghdada) (1413h q), «Msalke Alafham ala Tnqah Shraa'e Alaslama», Mhq/Mshh: Gurwh Pejewhsh M'essh M'earf Aslama, j 14, Cheape 1, Qom: Mwssh Alm'earf Alaslamah (in Arabic).
- Emad Znjana, 'Ebas 'Ela (1386h.sh), «Qwa'ed Fqh», jld 2, Tehran, Antsharat Smt (in Arabic).
- Fkhraldan Traha (1375h.sh), «Mjm'e Albhran», jld2, Cheape 4, Tehran, Nshr Mrtdwa (in Arabic).
- Makarem Shirazi, Naser, Alfqhah w Alaswlah, (1370h sh), Qom (in Arabic).